

## دبښووضعیت ښه والی په مختلفو بخشونوکی

تتبع ونگارش: عبدالصبور «نیازی»

### ۱- دسیاسی او یا دانتخاباتی نظام په بخش کی:

۲- په افغانستان کی اویه اوسنی سیاسی نظام کی دښووضعیت ښه والی په رابطه باید دوه وایم چه دپخواپه پرتله په اوسنی سیاسی نظام کی دښووضعیت ښه والی دپرمختگ په حالت کی ده لکه څرنگه چی اسلامی شریعت ښځه دهرقسمة حقوقو څخه برخمنه کړی ده داسلام دین هغه جامع دین دی چه دهرورکړی حقونه پکی خوندی ساتل شوی دی لکه په سیاسی چاروکی ونده اخستنه، سیاسی چاری ترسره کول، که مسؤلیت وی اویاحق وی پدی اړه اسلام کوم ممانعت ندی وضع کړی بلکی اسلامی شریعت ددی په رابطه داسی وایی (لای وُجدت امرأة قملکهم واولیت من کل شیء ولها عرش عظیم ۵) ۲۳ ایت ترجمه: (ماداسی میرمنه وموندله چی دهغوی واک ورسره دی، اوهرڅه ورکړل شوی دی اوستخت هم لری)

په سیاسی یا انتخاباتی نظام کی دښووضعیت ښه والی اوپرمختگ په اوسنی نظام کی.

اول دښوخواپه انتخاباتو کی گډون کول پدی هدف چی بل چاته رایه ورکړی اودیوه منصب لپاره غوره کړی چه داحق ښځوته په اوسنی نظام کی هم ورکړل شوی اوداسلامی شریعت هم جوازورکړی درسول الله په زمانه کی به داموضوع دیبعت په واسطه ترسره کیده اودسیاسی فعالیت بنسټ یی جوراوه چی درسول الله په ژوندکی میرمنوترسره کړی دی له همدی کبله علماؤدمیرمنو گډون په انتخاباتو کی جایزکاربللی مسلمانانو میرمنوداسلام په اوبلولوکی په ټولوسیاسی چاروکی گډون کړی له رسول الله سره په دوهمه عقبه کی بیعت چی یوسیاسی بیعت وو میرمنی پکی شریکی وی اویه ټولوغزواتوکی یی شرکت کړی دی حدیسی په صلحه کی میرمنی حاضری وی درسول الله له ژوندڅخه وروسته له راشدینوخلفاء سره میرمنوبیعت کړی دی.

په روایتونوکی داخبره هم راغلی ده چی عبدالرحمن بن عوف رض دعثمان رض دخلافت په اړه له میرمنوسره مشوره کړی ده.

دوهم په سیاسی نظام کی دښوخواکاندیدلو حق داد ښوخواوضعیت ښه والی اوپرمختگ ده چه په اوسنی نظام کی داحق هم ورکړل شوی اوداسلامی شریعت کی هم ددی جوازورکړی چه لور منصب ترلاسه کول پدی منظور ددین اودوطن دحفاظت لپاره خدمت ترسره شی یوکنفاتی فرض کاربلل شوی هغه نارینه وی اوکه ښځینه وی چی پدی باورولری چی له هغه څخه غوره څوک دعین منصب لپاره شتون نلری یوازی همدی دهغی چوکی حق اداکولی شی اوداسلام لپاره کارکولی شی بیادهغه لپاره داجایزه ده چی خان کاندیدکړی دلیل ددی خبری هم دیوسف علیه سلام پرهغه خبرولاردی چی په فرانکریم کی راغلی دی

### ۱- (انی حفیظ علیم ۵) پدی نیت به خان دکاندیدوی چی دامنصب ندی بلکه دامسؤلیت اوامانت دی

### ۲- دهمدی مسؤلیت اهلیت به لری

۳- دشریعت اومروپابندی ترټولومهم شرط ده. دریم پریوسیاسی یا حقوقی منصب باندی مقرردینه بدون دانتخاباتو څخه لکه چی په اوسنی عصرکی ټول رسمی کارونه په دری کنکورکی تقسیم شوی دی ۱- مقننه چاری چی دپارلمانولوله لوری ترسره کیری ۲- قضائی چاری چی هغه هم یوه بله قوی واکمنه قوه بلل کیری اوله سیاست سره نږدی اریکی لری ۳- اجرائیه چاری چی په راس کی یی دولت یومشقرارلری له همدی کبله دښوخواسیاسی فعالیت څخه په همدی دریوقواو باندی تقسیم شوی اویه هره قوه کی دهغی درول شرعی حیثت اودلایل څیرل کیریادوهری برخی لپاره ځانکړی فصلونه غوره شوی دایه دی معناچه په اوسنی نظام کی ښځی دوضعیت ښه والی اوبهتروالي څخه برخمنی دی.

### د افغانستان په اوسنی نظام کی دښوخواقتصادی وضعیت ښه والی په بخش کی:

دافغانستان په اوسنی نظام کی ښځی دهغواقتصادی حقوقوڅخه برخمنه دی کوم چه اسلامی نظام کی ښځوته اقتصادی حقوق ورکړل شوی دی یعنی دپخواپه پرتله دښوخواوضعیت ښه والی اوبهتروالی په اوسنی نظام کی دپرمختگ په حالکی ده ځکه دهجالت زمانه دښوخواقتصادی حقوقولپاره ډیره توره دوره وه دهغی دوری نه بعدداسلام ظهورسره درنایي دوره راغله خصوصاً دښوخواقتصادی حقوقولپاره. پدی توره دوره کی دښوخواقتصادی حقوقولپاره مختلف اصول درلودل.

داده در صفحه ۲

کنفرانس بین المللی بهار حقوق تاشکند با اشتراک وزرای عدلیه، نمایندگان سازمان‌های حقوقی بین المللی، استادان پوهنتون‌های بین المللی و متخصصان عدلی و قضایی برای سه روز از تاریخ ۵ ثور تا ۷ ثور امسال در شهر تاشکند جمهوری ازبکستان برگزار گردید. در این کنفرانس که با عنوان حقوق در عصر جهش سریع به سوی مدرنیته برگزار گردیده بود، در بارهٔ موضوع‌هایی چون: حکومت‌داری خوب، حصول اطمینان از حاکمیت قانون و اصلاحات سیستم عدلی و حقوقی و نیز نقش میان‌جیگری در موضوع‌های مدنی، سخنرانی، بحث و تبادل نظر صورت گرفت. وزیر عدلیه در حاشیه‌ی این کنفرانس با آقای روسلانیک دولت‌آف وزیر عدلیه و آقای ملیف خدایار معین وزارت عدلیه‌ی جمهوری ازبکستان، آقای ادوین تانگ وزیر عدلیه سنگاپور، آقای مارک اپل عضوی مرکز بین المللی حل اختلافات و رییس برنامه انکشاف بین المللی پوهنتون پیتمسبورگ آمریکا به صورت جداگانه دیدار و گفت‌وگو کرد. وی در دیدار با وزیر عدلیه جمهوری ازبکستان در بارهٔ موضوع‌هایی چون: استرداد مجرمین میان دو کشور، همکاری‌های مشترک جهت مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و اشتراک تجارب مسلکی میان کارمندان مسلکی وزارت‌های دو کشور، بحث و تبادل نظر نمود.



## قانون مراسم عروسی

تتبع ونگارش: گلالی سنگرخیل عزیز

نامزدان برای یکدیگر ممنوع است. در مورد منع مطالبه تحایف ماده ۷ قانون مذکور صراحت دارد که:

"تحمیل وجبری ساختن تحایف بنام های عیدی، براتی، رضانی، نوروزی و امثال آن بین فامیل های نامزدان برای یک دیگر ممنوع می باشد."

منع محافل در هوتل ها، سالون ها، ورستورانت ها: در حال حاضر در کشور ما علاوه بر گرزاری مراسم عروسی برگزاری محافل دیر ازقبیل لفظ، نامزدی ویا شیرینی خوری، خویش خوری، پای وازی، تخت جمعی مراسم ختنه سوری و شب شش، تشکیل ضیافت درمراسم تعزیت، وغیره مراسم در هوتلها، سالون هاورستورانت ها با مصارف زاف تجلیل به عمل می آید که برزاری همچو مراسم طبق حکم ماده چهارم قانون مراسم عروسی منع قرار داده شده ذیلأ می نگارد:

"محافل لفظ گیری، نامزدی و یا شیرینی خوری، خویش خوری، شب حنا، تخت جمعی، پایوازی، شب شش، ساگره، نام گذاری و کاکل گیری طفل، ختنه سوری، بازگشت از حج و سفر و فراغت از تحصیل در هوتل ها، سالون ها و رستورانت ها بر گزار شده نمی تواند."

البته منع اینونه مراسم ومحفل‌های مختلف در هوتل ها، سالون هاورستورانت هابرای جلوگیری از مصارف بی‌جایکه مخالف ارشادات دینی و ارزش‌های فرهنگی کشوربوده، می باشد .

### لباس عروس:

یکی از موارد در این قانون در مورد لباس عروس می باشد که عروس باید لباس مناسب شریعت اسلامی را به تن نماید. در مورد ماده هشتم این قانون ذیلأ مینگارد:

"لباس عروسی مطابق شریعت اسلامی به موافقت طرفین و از جانب داماد برای عروسی تهیه می شود." پوشیدن لباس های مغایرشریعت اسلامی در محافل عروسی منع بوده، باید ازپوشیدن لباس های خلاف اسلامی خود داری. لباس مغایر شریعت اسلام را ماده دوازدهم قانون مذکور ذیلأ بیان می دارد:

(۱) پوشیدن لباس مغایر شریعت اسلامی در محافل برای زنان و مردان جواز ندارد.

(۲) مردان و پسران جوان نمی توانند از لباس های زنانه استفاده نمایند و برعکس آن.

از فحواى ماده های فوق می توان گفت که پوشیدن لباس باید طبق احکام شرعی وعرف پسندیده باشد، لباس های که پوشیدن آن برای شخص از لحاظ جنس پارچه یا نازک یا کیفیت دوخت ومانند آن ،معمول نبوده خلاف شان او به حساب آید به طوری که ار آن را در برابر مردم بپوشد، توجه آنان را به خود جلب کرده وانشت نما می شودیعنی لباسی است که شخص را بدور از فرهنگ اسلامی نشان میدهد. در پوشیدن اینگونه لباس که موجب هتک حرمت وخواری شخص شود حرام بوده وقانون متذکره پوشیدن این گونه لباس را منع نموده است.

داده در صفحه ۲

سایر سامان آلات منزل است که برای عروس تهیه می شود.

۱۱- پایوازی: محفلی است که به منظور شناسایی بیشتر فامیل های دو طرف از یکدیگر بر گزار می گردد.

۱۲- شب شش: محفلی است که به مناسبت تولد طفل یا نام گذاری بالای طفل و اعطای تحفه به نوزاد از طرف فامیل وی برگزار می گردد.

۱۳- ختنه سوری: محفلی است که به مناسبت ختنه پسر از طرف فامیل وی برگزار می گردد.

۱۴- سالگره: محفلی است که به مناسبت سالگره عروسی یا تولد شخص برگزار می گردد.

۱۵- لباس مغایر شریعت اسلامی: عبارت از لباس های نیمه برهنه، نازک و تنگ است که اعضای بدن زن را برجسته سازد.

### منع مصارف گزاف در محافل عروسی:

انفاذ این قانون برای جلوگیری ازمصارف گزاف در محافل عروسی مشکلات اکثرخانواده‌هارمافروع خواهند کردبربنیاتی این قانون، اولیاء و اقارب عروس و داماد می‌توانند محفل عروسی را مطابق احکام این قانون در هوتل، سالون یا رستورانت برگزار نمایند. چنانچه ماده پنجم قانون مراسم عروسی جهت برگزاری عروسی در هوتل ها، سالون ها ورستورانت ها ذیلأ می نگارد:

"اولیاء و اقارب عروس و داماد و اجد شرایط می توانند محفل عروسی را مطابق احکام این قانون در هوتل، سالون یا رستورانت برگزار نمایند."

### منع طویانه اجبار:

علاوه برمصارف گزاف، اخذ صدها هزار افغانی زیر نام ولور، طویانه و شیربها؛ پول‌های هنگفتی به نام های این وان مصرف می‌شود.قانون مراسم عروسی به هیچ یک از اولیاء و اقارب عروس اجازه نمی‌دهد که به مناسبت ازدواج یا عروسی دختر، پول و یا مخارج دیگری را به نام‌های طویانه، شیربها، ولور، قلین، گله، پیشکش، جهیزیه و یا امثال آن به صورت اجبارتحمیل نموده و آنرا پیش شرط انعقاد محفل عروسی و یا عقد نکاح قرار دهند.در رابطه به این مسئله ماده(۶)قانون مراسم عروسی ذیلأ می نگارد: "هیچ یک از اولیاء و اقارب عروس نمی توانند به مناسبت ازدواج یا عروسی دختر پول ویا امتعه دیگری را بنام طویانه ( شیربها، ولور، قلین، گله، پیشکش و جهیزیه و یا امثال آن ) به صورت اجبارتحمیل نموده و از داماد یا اولیاء و اقارب او مطالبه نمایند و آن را پیش شرط انعقاد محفل عروسی و عقد نکاح قرار دهند."

### منع تحمیل تحایف اجباری:

تحمیل و اجباری ساختن تحایف به نام‌های عیدی، براتی، رضانی، نوروزی، و امثال آن بین فامیل‌های

۳- جلوگیری از مصارف گزاف و فراهم آوری تسهیلات در بر گزاری محافل.

۴- حفظ ارزش های اصیل فرهنگی و احترام به سنت های پسندیده.

۵- فراهم آوری زمینهٔ تشکیل خانواده سالم برای همه.

۶- حفظ شیرازهٔ خانواده و جلوگیری از خشونت های فامیلی.

۷- تأمین روابط حسنه و پایدار میان زوج و زوجه و خانواده های آنها.

حالا به اصطلاحات ماده سوم قانون مراسم عروسی که معانی ومفاهیم خاص خود را دراین قانون دارد به بحث می گیریم:

۱- محافل: عبارت از مجلسی است که به منظور لفظ گیری، نامزدی، شیرینی خوری، خویش خوری، شب حنا، عروسی، تخت جمعی، پایوازی، شب شش، نام گذاری ختنه سوری، کاکل گیری، عیدی، نوروزی، رضانی و سالگره برگزاری می گردد.

۲- نامزدی: نامزدی یا شیرینی خوری و لفظ گیری: عبارت از محفلی است که به منظوروعده پیوند ازدواج بین دو نفر از اعضای دو خانواده ( پسر و دختر ) و اعطای فرصت شناسایی طرفین برگزار می گردد.

۳- طویانه: وجوهی است که ولی یا اقارب عروس بخاطر قبول این پیوند و پاداش پرورش عروس یا تهیه جهیزیه از داماد یا اقارب بنام های ( شیربها، ولور، قلین، گله وپیشکش) مطالبه می نماید.

۴- خویش خوری: محفلی است که قبل ازشب حنا و مراسم عروسی بین اقارب نزدیک عروس و داماد بر گزار می گردد.

۵- شب حنا: محفلی است که به منظور خینه گذاشتن بر دست عروس و داماد برگزار می گردد.

۶- عروسی: محفلی است که به منظور عقد نکاح و انتقال عروس به خانه شوهر برگزار می گردد.

۷- مهر: مقدار پول یا مال منقوم است که حین عقد نکاح از طرف ناکج برای منکوحه مطابق شریعت اسلامی و قوانین نافذه کشور پرداخته شده یا بر ذمه وی لازم می گردد.

۸- مهرالمثل: مهري که درحین عقد از دواج برای زنان معلوم نشده وپس از زفاف از روی حد متوسط مهر زنان اقارب برای او تعیین شود.

۹- تخت جمعی: محفلی است که بعد از عروسی با حضور اقارب و دوستان طرفین غرض غمایش جهیزیهٔ عروس برگزار می گردد.

۱۰- جهیز: عبارت از لباس، فرش، ظرف، خانه یا

دین و وضعیت شبه والی په...

اول: یواصل د دوی داوه چه هغه څوک به ددی حقوقوڅخه برخورداره چه دجگری دفاع اودوسلی دورلو اورولوروتیایي درلوده نوله دی امله ښځی اوماشومان که هرڅومره ډیرهم وه بی برخی پاتی وه ځکه دوی ددی کارونوورتیا نه درلوده.

دویم: کله چه به یوه ښځه کونده شوه دمیری وارثانو به دهغه په ښځی څادر اوچوه اووول به ئی چه مال مونږته په میراث کی پاتی ده نوبڅه ئی هم مونږ ته په میراث کی کی پاتی ده نوداسلام په ظهورسره دا آیت رانازل شو(یاایهاالذین امنوالیحل لکم ان ترؤ النساء کرها ولاتعضوهن لندهبو بیعض ماتیتوهن الا ایاتین بفاحشة مین ۵) پدی ایت سره دښخو اقتصادی حقوقو ثابت اودجهالت زمانی رسومات ختم شول یعنی دښخو اقتصادی حقوق په اوسنی نظام کی شبه والی اوبهتوالی دایه دي دلالت کوي چه اوسنی نظام یواسلامی نظام دي ځکه ښځوته چه اسلام کوم حقوق ورکړي دافغانستان اوسنی نظام هم یواسلامی نظام ده چه ښځوته داسلام په چوکات کی دهرقوسمه حقوق څخه برخمنی کړي دي لکه دملکیت حق، دمیراث حق، دمهرحق، دکارحق، وغیره.

دافغانستان په اوسنی نظام کی دښخو وضعیت شبه والی دفرهنگ په بخش کی!

دافغانستان په اوسنی نظام کی دښخو وضعیت شبه والی اوبهتوالی لپاره ډیری هڅی کړی تولی نری ته روښانه ده نه پتیدونکی حقیقت ده چه دافغانستان اساسی قانون(۴۳و۴۴)مادی په صراحت سره په افغانستان ټولواپتیاو تعه دتعلیم اوترتبه حق څخه پرته دجنسیت له توپیره ملاتړشوی دی زمونږ په هیوادکی دښخومعلمانو اودښځوشرکاردانودایوبښه مثال ده همدارنگه دکارحق ده چه اسلام هم ښځوته دکارحق ورکړی اودازمونږفرهنگ هم ده چه دا حق یواځی اسلام ښځوته ورکړی چه دیغمبر(ص) په زمانه کی ښځی دنظامی کاروڅخه نیولی ترنقاشی پوری بوختی وي اوپه اوسنی نظام کی شبه بیلگه ئی داده چه په دولتی اداراتوکی دښخواسخدام ده اویاموسساتوپه مختلفوولاسی صنایعو کی ښځی مصروفه کړی دي اویاپه خیاطی کی کالی گنډلو کی بوختی دي داټول زمونږ فرهنگ ده اواسلام هم اجازه ورکړی ده (په یورواپت کی راغلی کثیرین عبید دعایشه رض کورته داخل شوکوري چه هغه کالی گنډلوکی بوخته ده همدارنگه سهل بن سعد په روایت کی راغلی یوه ښځی یوډول لباس چه(پورده) ورته واښی راوړل نیی کریم ص نه ئی وه ویل دامی په خپل لاس گنډلی اوغورام چه واغوندي.

دافغانستان په اوسنی نظام کی دښخو وضعیت شبه والی په قضایي اونظامی بخش کی!

دافغانستان په اوسنی نظام کی دښخو وضعیت شبه والی په قضایي اونظامی بخش کی واضحه ده چه عملاً اوس هم په قضایي ارگانوکی په وظایفبوختی دي اوهمدارنگه په نظامی لیکوکی هم اجرات ترسره کوي دایوبښه مثال ده په اوسنی نظام کی دښخو وضعیت په رابطه داسلام له نظره په مختلفووجهاتو دښخوقضاوت خیرل شوی کمال الدین

محمدین عبدالواحد، داحنافودریخ داسی بیانوي دقضاوت لپاره نارینه توب شرط ندی مگرپه قصاص اوحدودوکی نوپه دغه اساس ښځه کولی شي په ټولوچاروکی قضاوت وکړي پرته له قصاص اوحدودوڅخه. څرنکه چی افغانستان یواسلامی هیواد ده نوپه همدی اساس دتاریخ په اوږدو کی کله نه چی مدون قوانین په افغانستان کی نافذشوی دټولو قوانینونافذول ئی داسلامی احکامو سره مطابقت کی په پام کی نیولی دي دافغانستان اساسی قانون درپه ماده داسی حکم کوي(په افغانستان کی هیڅ قانون نشی کولای چی داسلام دسپڅلی دین معتقداتو اواحکامو مخالف وي) سره له دي چی پخوانیواو اوسنیونافذ قوانینو دښخوقضای کیدو لپاره هیڅ محدودیت ندی ذکرکړی خو پدی اړه کوم صراحت هم نشته خوددوقوانینو نوکلی حکمونه دانښی چی دقوانینو له مخی دقضاوت ددندی لپاره نارینه توب شرط نه دی دبیلگه په توکه دنوی اساسی قانون پراساس دسترحکمکی دغولپاره چی کوم شرایط ذکرشوي نارینه توب پکی شتون نه لري. همدارنگه ښځو نیی کریم ص سره په اکثره غزواتو کی برخه اخستی ده دبیلگی په توکه دحیبی دصلحی په موقع رسول الله ص دخپلی بي بي ام سلمه په مشوره عمل وکړاودکوم سترمشکل(صحابه کرامو دصلحی قراردادباندی داعتراض په ډول رسول الله ص امر له احرام څخه حلایلدیولباندی عمل څنډمن کړ) سره چی مخ ووپه کامیابی بریالی ووت اودصلحی قراردادومنل شو اودرسول الله ص امرپلی کړی شو. دغه واقعه ددی خبری دلیل دی چه میرمنی په سیاسی نظامی چاروکی مثبت رول اداکولای شي اودنده اخستل په سیاسی نظام کی دهغوی مسلم حق دی.

- منابع اوماخذ:
- ۱- قرآن کریم
- ۲- احادیث پیامبر(ص)
- ۳- قانون اساسی

قانون مراسم عروسی...

محدودیت تعداد مدعوین:

از جمله موارد دیگر این قانون عبارت از محدودیت تعداد مدعوین و مهمانان، هزینه های عروسی و برگزاری مراسم های عروسی جداگانه برای زنان و مردان در آن گنجانیده شده است. چنانچه ماده دهم این قانون بیان می دارد:

(۱) اولیای عروس و داماد می توانند محفل عروس را با اشتراک حد اکثر (۵۰۰) نفر از طرفین در هتل ها، سالون ها و رستوران ها برگزار نمایند.

(۲) برگزاری محافل عروسی در هتل ها، سالون ها و رستوران ها بصورت مختلط بین زنان و مردها جواز ندارد.

هرچند بسیاری خانواده ها محافل عروسی شان را در سالون های جداگانه برای زنان و مردان برگزار مینمایند اما ناگفته نباید گذاشت که در برخی از موارد دیده میشود که برگزاری محافل عروسی بصورت مختلط (زن و مرد) نیز برگزار میکنند که این عمل ایشان مخالف حکم فقره ۲ ماده دهم این قانون واحکام شرعی می باشد.

بر اساس این قانون والدین و نزدیکان عروس اجازه ندارند به مناسبت عروسی، پرداخت پول و یا جنس دیگری را به نام «طویانه، گله، شیربها، ولور، قلین، پیشکش، جهیزیه و امثال آن،» به صورت اجباری بر خانواده داماد تحمیل کنند. همچنین این قانون تصریح کرده که هیچ کسی حق ندارد محفل مختلط برگزار کند و لباس غیر اسلامی و خلاف شرع بر تن نماید.

قابل یاد آوریست که فقره (۱۵) ماده سوم قانون مذکور لباس مغایر شریعت اسلامی را این گونه تعریف کرده است: «عبارت از لباس های نیمه برهنه، نازک و تنگ است که اعضای بدن زن را برجسته سازد.» همچنین در ماده دوازدهم این قانون آمده است که مردان و پسران جوان نمی توانند از لباس های زنانه استفاده کنند و بر عکس آن.

قانون در مورد جهیزیه عروس نیز تصریح کرده که با توجه به توانایی مالی داماد، مهریه به رضا و رغبت دو طرف تعیین شود.

جهیزیه دو طرفه:

رسم بر این است که برای عروس و داماد جهیزیه تهیه شود. مطابق قانون مراسم عروسی جهیزعبارت از: لباس، فرش، ظرف، خانه یا سایر سامان آلات منزل است که برای عروس و داماد تهیه می شود. جهیزیه دو طرفه باید از طرف فامیل واقارب داماد به رضا و رغبت خود آنها بدون تقاضای خانواده عروس تهیه شود و برعکس آن فامیل و نزدیکان عروس نیز می توانند به رضایت خویش جهیزیه مناسب را به عروس هدیه دهند اما نمایش جهیزیه عروس به دیگران که به تخت جمعی معروف است، ممنوع قرار داده شده است. چنانچه ماده نهم این قانون در مورد ذیلأصراحت دارد:

"داماد، اولیاء و اقارب او می توانند برضا و رغبت خویش بدون تقاضای فامیل عروسی مبلغی را به منظور تهیه جهیزیه بطرف عروس بپردازد. همچنان اولیاء و اقارب عروس می توانند به رضایت خویش جهیزیه مناسب رابه عروس هدیه نمایند. نمایش جهیزیه به دیگران ممنوع می باشد."

تعیین مهریه زوجه:

مهر حق زن، تعیین و اندازه آن نیز از صلاحیت زن بوده، تعیین نوعیت و مقدار مهر به رضایت کامل ناکح ومنکوحه یا وکیل شرعی یا ولی وی با در نظر داشت وضعیت اجتماعی طرفین وابسته است. ماده یازدهم قانون مراسم عروسی در مورد ذیلأ می نگارد:

(۱) ناکح و منکوحه می توانند برضاء و رغبت کامل خویش نوع و اندازه مهر را قبل از برگزاری محفل نکاح و عروسی یا در جریان آن تعیین نمایند.

هرگاه نکاح از طریق وکالت یا ولایت صورت گیرد و به نوع و اندازه مهر قبلاً موافقه ناکح و منکوحه به عمل نیامده باشد، وکیل و ولی منکوحه مکلف اند، در تعیین اندازه مهر استطاعت مالی داماد و شرایط و اوضاع اجتماعی طرفین را در نظر گرفته نوع و مقدار آن را تعیین نمایند.

نوع و مقدار مهر بدون رضایت کامل ناکح و منکوحه یا وکیل شرعی یا ولی آنها تحمیل شده نمی تواند، عالم دین یا ملا امام که بستان نکاح را به عهده دارد مکلف است، طرفین عقد را حسب احکام شریعت به تخفیف مهر تشویق نماید، در صورتی که مهر قبل از مراسم نکاح و عروسی و یا در جریان آن تعیین نگردد و یا تعیین آن به اختیار ناکح موکول گردیده باشد مهر المثل لازم می شود.

(۲) مهر بعد از تعیین حق شخصی عروس بوده هیچ شخص بجز از عروس در آن حق تصرف را ندارد و نمی توان مصارف محافل عروسی، لباس عروس، ظروف و لوازم منزل مورد استفاده عروس یا جهیزیه را در مهر محاسبه نماید.

(۳) زیورات مربوط عروس در صورتی که صراحتاً بحیث تحفه داده شده باشد در مهر محاسبه شده نمی تواند.

(۴) مهر، غیر پول نقد باشد، باید طوری معین و مشخص گردد که جهالت را مرفوع نموده و در آینده موجب نزاع نگردد.

مهر، یا صدق مالی است که شوهر در هنگام وقوع عقد ازدواج، پرداخت آن را به همسر خود برعهده ودر شیوه پرداخت آن با همسر میتواند به نحوی که بخواهند توافق نمایند.

مشخصات مهرطورذیل میباشد:

اول- مهر باید مال متقوم باشد. دوم- مهر باید پاک و قابل انتفاع برای مسلمانان باشد.

سوم- مهر باید معلوم و معین باشد، یعنی زن و مرد به آن آگاهی داشته باشد.

چهارم- مهر در نکاح واجب و به محض وقوع عقد نکاح زن آن را مستحق می گردد.

خداوند (ج) در این مورد چنین می فرماید: واحل لکم ما وراء ذالکم ان تبتغوا باموالی کم" سوره نساء آیه ۲۴ که در این جا حلیت را مقید به پرداخت مهر نموده است.

مهر انواع مختلف دارد مانند مهر مسمی و غیر مسمی، معجل وموجل داشته احکام وجزئیات دیگری نیز دارد که در این جا مجال برای بحث و بیان آن ممکن نیست.

صرفاً به همین قدر باید اکتفا کرد که وجود نصوص ودلائل متعدد شرعی در قرآن کریم وسنت پیامبر اکرم (ص) که دال بر ضرورت تعیین آن در عقد نکاح، الزام مؤکد حقوقی و اخلاقی به پرداخت آن، برحذر داشتن مردان از بی توجهی در مورد آن، ودر مواردی هم اشاره بخشش رضامندانه آن از سوی زن با هدف ارتقای علایق مشترک، تعیین عشق ومحبت، تحکیم وثقیبت کانون خانواده وارد شده است بیانگر اهمیت آن است چنانچه پیغمبر (ص) در این مورد چنین می فرماید: " ان احق الشروط ان توفوا به ما استحلتم به الفروج".

ترجمه: سزاوار ترین شرطی که وفا به آن لازم است پرداخت چیزی است که به واسطه آن زنان را برای خود حلال کرده اید.

بر اساس ماده یازدهم قانون مراسم عروسی، نوع و مقدار مهریه بدون رضایت کامل داماد و عروس یا وکیل شرعی یا ولی آنها تحمیل شده نمی تواند. ملا امام، باید دو طرف را به تخفیف مهر ترغیب کند.

تدویر محافل دسته جمعی:

عروسی های پرهزینه که در این اواخر معمول و به یک رسم عنعنوی تبدیل شده است باعث رزیده تا عده ای از جوانان به دلیل مشکلات اقتصادی و مصارف گزاف عروسی، عروسی شان به تاخیر افتاده و بلاخره به یک معضل اجتماعی تبدیل رزیده است. بناً جهت رفع این معضل دولت تصمیم به برزاری عروسی دسته جمعی به مصرف دولت و موسسات خیریه شدند که در این اواخر برزاری مرا سم جشن ازدواج روهی جهت صرفه جویی در هزینه ازدواج رایج شده است در زمینه ماده بیست و یکم قانونمذکور ذیلأ بیان می دارد:

(وزارت های اطلاعات و فرهنگ، کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین، امور زنان و شاروالی ها می توانند محافل عروسی پسران و دختر ان جوانی را که توانایی مالی ندارند به موافقه آنها و اولیای شان به مصرف دولت و مؤسسات خیریه طور دسته جمعی بر گزار نمایند.

فامیل های پسران و دخترنی که واجد شرایط ازدواج بوده و آرزوی عروسی را از طریق برگزاری چنین محفل داشته باشند، غرض ثبت نام به معینیت جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ یا وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین یا وزارت امور زنان ویا شاروالی های مربوط مراجعه نمایند.)

بر اساس این قانون تدویر محافل دسته جمعی یکی از وظایف وزارت اطلاعات و فرهنگ، کار و امور اجتماعی، امور زنان و شهرداری هاست. افرادی که استطاعت مالی ندارند می توانند به معنیت جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت زنان مراجعه و خودشان را ثبت نام کنند.

بناً استنباط می شود که عروسی دسته جمعی عبارت از برزاری مراسم عروسی به مصرف دولت ویا موسسات خیریه برای همه عروس ها و داماد ها که با رضایت وتکمیل شرایط آن ثبت نام شده اند در یک سالون برزاری می نماید.

این نوع مراسم که خیلی در هزینه ها صرفه جویی میشود مورد استقبال قرار گرفته است.

از این لحاظ بسیاری از دختران و پسران جوان حاضر اند با هم و به صورت گروهی یا دسته جمعی عروسی نمایند. جهت تطبیق بهتر این قانون مکلفیت های را به بعضی از وزارت ها وضع نموده اند که به طور مختصر به شرح آن می پردازیم:

مکلفیت ستره محکمه

در فصل سوم، ماده سیزدهم این قانون آمده است که دادگاه عالی مکلف است، وثیقه نکاح خط را ترتیب کند و برای ملاامامان و عالمان دین واجد شرایط در مساجد و تکایا اجازه عقد نکاح و تحریر نکاح خط عرفی را صادر کند. که ماده مذکور در زمینه ذیلأ مشعر است:

(۱) ستره محکمه مکلف است، درچوکات ریاست وثایق و ثبت اسناد خویش وثیقه نکاح خط را ترتیب نماید و برای ملاامامان و عالمان دین و اجد شرایط در مساجد و تکایا اجازه عقد نکاح و تحریر نکاح خط عرفی را صادر نماید.

(۲) ملاامامان و عالمان دین که واجد شرایط اند، آنچهرا که درمحضر آنان در خصوص عقد و اندازه مهر در محفل نکاح انجام می گردد، درج نکاح خط عرفی نموده و یک یک نقل نکاح خط عرفی را به طرفین عقد و محکمه مربوط تسلیم نمایند.

(۳) در صورت نه رسانیدن نکاح خط از سوی ریاست وثایق وثبت اسناد ستره محکمه، ملاامامان واجد شرایط مطابق شریعت اسلامی عقد نکاح کرده می

توانند. مکلفیت وزارت ارشاد، حج و اوقاف ماده چهاردهم:

وزارت ارشاد، حج و اوقاف مکلف است، مردم را به ترک رسوم وعنعنات مغایر احکام شریعت اسلامی و رعایت احکام این قانون تشویق و توصیه نموده و از اضرار مالی، اجتماعی و عواقب سوء آن خصوصاً که به آن رنگ دینی می دهند آگاه سازند و در زمینه برنامه هائی را طرح و توسط امامان و خطباء از طریق موعظه ها و خطابه ها عملی نماید.

مکلفیت وزارت امور زنان:

وزارت امور زنان نیز مکلف است که برنامه های ویژه را برای زنان و دختران به منظور رعایت احکام این قانون راه اندازی کند. مکلفیت وزارت امور زنان طبق حکم ماده پانزده این قانون ذیلما یباشد:

وزارت امور زنان مکلف است، به منظور تنویر اذهان عامه بویژه مادران و دختران برنامه های را مبنی بر رعایت احکام این قانون طرح و از طریق رسانه های همگانی و سایر طرق ممکنه نشر نماید.

مکلفیت وزارت اطلاعات و فرهنگ و اداره رادیو تلویزیون ملی

ماده شانزدهم:

(۱) وزارت اطلاعات و فرهنگ و اداره رادیو تلویزیون ملی مکلف اند، به همکاری وزارت های ارشاد، حج و اوقاف و امور زنان مزایا و اثرات مثبت رعایت احکام این قانون و اضرار رسم و رواج های ناپسند را در این راستا توضیح و از طریق رسانه های همگانی نشر و تبلیغ نمایند.

(۲) وزارت اطلاعات و فرهنگ و اداره رادیو تلویزیون ملی مکلف اند، ازبثت و نشر فلم های محافل عروسی و سایر محافلی که در آن صحنه های مخالف آداب و اخلاق اسلامی باشد جلوگیری نمایند.

قانون مراسم عروسی، وزارت های حج و اوقاف، امور زنان، اطلاعات و فرهنگ و رادیو تلویزیون ملی را مکلف گردانیده تا جهت رفع چالش های موجود و زدودن رسم و رواج های ناپسند و خلاف فرهنگ و احکام شریعت، پلان و پالیسی خاص را وضع و اجرا نمایند

مکلفیت شاروالی ها و اتحادیه پیشه وران شاروالی ها ارگانهای خدماتی اند که جهت نظم بخشی و رعایت فرهنگ شهری و تطبیق احکام قوانین فعالیت می نمایند، اتحایه پیشه وران نظر به ارتباط و هماهنگی که با مردم و جامعه دارند و همیشه در سد رفع چالشها و نیازمندی های آنها هستند در قبال از بین بردن و یا کاهش رسم و رواج های ناپسند و خلاف آموزهای دینی نیز مکلفیت و مسئولیت دارند. قانون مراسم عروسی در ماده ۱۷ خود مکلفیت شاروالی ها و اتحادیه پیشه وران را چنین بیان میدارد:

(۱) شاروالی ها و اتحادیه پیشه وران مکلف اند، مینوی غذایی محافل عروسی را در هتل ها، سالون ها و رستوران ها کنترل نموده و از تهیه مینوهای بیش از مبلغ سه صد افغانی فی تن و صرف نوشابه های الکولی جلو گیری بعمل آورند.

(۲) شاروالی و اتحادیه پیشه وران در مبلغ معینه مندرج فقره (۱) این ماده نظر به تغییر قیم و رعایت مینوی متوسط تجدید نظر نموده و بعد از تصویب شورای وزیران تطبیق نمایند.

انفاذ این قانون جلوگیری از رسوم وعننات مغایر دین اسلام، حفظ ارزش های اسلامی واحترام به سنت های پسندیده گردد همچنان فراهم آوری تسهیلات در برگزاری محافل وجلو گیری از مصارف گزاف وانحرافات اخلاقی جوانان می گردد.

- منابع وماخذ:
- قرآن کریم
- احادیث
- قانون اساسی

4 . تابعیت جنبه الزامی دارد، از طرف مقنن بالای اشخاص تحمیل می‌شود در حالی‌که اقامتگاه امری است وابسته به اراده و قصد خود اشخاص و همینکه در محلی مستقر شدند و قصد شان این باشد که دائماً در آنجا مستقر باشند اقامتگاه آنها شناخته می‌شود و این نظر تقریباً مورد قبول کلیه دول مختلف واقع گردیده است.

۵ .آثاری تابعیت محول سازی حقوق اساسی و مکلفیت‌های مندرجه قانون اساسی برای تبعه است، همانا رابطه معنوی را ایجاد میکند، و تبعه استفاده حقوق و مکلفیت ها را از دریچه قانون حصول می نماید. آثار اقامتگاه صرفاً رابطه مادی و حقوقی دارد که این رابطه در بین شخص و قسمت از خاک یک کشور واقع می‌شود، یعنی رابطه سیاسی و معنوی بین شخص و کشور وجود ندارد اما در حقوق داخلی اقامتگاه ارتباط شخص را با محاکم ذی‌صلاح در دعوی برقرار میکند. اقامتگاه اشخاص حکمی نقطه عطف و ثقل رجوع مراجعین است. اقامتگاه آثار زیادی را ناشی میگرداند حتی در بعضی حالات کسب تابعیت موقوف به سپری نموده اقامتگاه است، طوریکه در قانون تابعیت افغانستان آمده است شخصی که میخواهد تابعیت افغانستان را کسب نماید باید به مدت پنج سال در افغانستان اقامت نموده باشد، امروزه اقامتگاه نقش برانزنده و اساسی نسبت به تابعیت دارد خصوصاً در کشورهای پیروی نظام خاک.

گفتار دوم – تفاوت مسکن و اقامتگاه

اقامتگاه و مسکن برعلاوه نقاط تشابه باهم دارای نقاط افتراق نیز هستند، طوریکه از تعریف اقامتگاه و مسکن دانسته می‌شود: اقامتگاه عبارت از رابطه حقوقی و مادی است که شخص را با قسمت از خاک یک کشور پیوند میدهد و مسکن عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت دارد بدون اینکه قصد اقامت دائمی در انجام را داشته باشد و آن محل هم مرکز امور او می باشد. مثلاً: یک نفر افغانی از کابل برای مدت تابستان به ترکیه برود و مسکن او در آن مدت شهر انقره است ولی اقامتگاه او همان شهر کابل است. اقامتگاه به محلی گفته می‌شود که شخص عادتاً در آن محل زندگی نموده و با آن محل یکنوع رابطه دارد و اگر موقتاً از آن محل غایب هم گردد دو باره در آنجا ظاهر خواهد گردید.

تفاوت اقامتگاه و مسکن از محتویات ماده ۱۰ قانون اصول محاکمات تجارتي نیز استنباط میشود: « برعلیه اشخاصی که در افغانستان دارای اقامتگاه قانونی نیستند در محکمه ایکه این گونه اشخاص در حوزه قضایی آن سکونت دارند دعوی اقامه می شود و اگر در افغانستان محل سکونت آنها هم معلوم شده نتواند دعوی در محکمه ای دایر می گردد که اموال مدعی علیه و یا تضمینات آن و یا شی متنازع فیه در حوزه قضایی آن موجود باشد والا در محکمه ابتدائیه تجارتي کابل علیه شان دعوی اقامه شده میتواند» پس اقامتگاه مکان اساسی و دایمی است که شخص فعالیت اجتماعی خود را مطابق قوانین آن محل تنظیم می نماید اما مسکن به جای گفته می شود که شخص صرفا غرض انجام کاری آنرا موقتاً اختیار نموده است و اراده بودن دایم را در انجا ندارد.

در نتیجه گفته میشود که تابعیت و اقامتگاه تفاوت اساسی و اصولی باهم داشته اند؛ مانند تفاوت در مفهوم، ماهیت، ارتباط و آثار. همچنان از طریق تابعیت حقوقی اساسی ر شخص کسب می کند و از طریق اقامتگاه این حقوقی گاهی کسب میشود و گاهی کسب شده نمی‌تواند. اقامتگاه و مسکن نیز تفاوت جزئی و خفیف باهم دارند که صرف از لحاظ اراده و عادت شخص می تواند تشخیص داد.

منابع و ماخذ

۱-قانون مدنی.

۲-قانون تابعیت.

۳-حقوق بین الملل خصوصی، ولی محمد ناصح.

۴- حقوق بین الملل خصوصی نظام الدین عبدالله.

بند یک ماده سوم قانون حمایت طفل، طفل را ذیلا تعریف نموده است:

۱-طفل: شخصی است که سن هجده را تکمیل نکرده باشد.

طفل کلمه عربی بوده و در لغت به معنی کودک ونوزاد می باشد که جمع اطفال می باشد اما در اصطلاح حقوقی کودک یا طفل به کسی اطلاق می گردد که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده و نمی تواند مستقلانه زندگی کرده و منافع خود را در جامعه حفظ نماید.

یعنی از بدو تولد اطفال چه دختر یا پسر تا سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد به به نام طفل یاد می گردد. با توجه به شرایط صغر سن و عدم توانایی اطفال درپیش برد امور روزمره آنان از یک سلسله حقوق خاص بر خوردارند که باید از سوی مسئولین ذیربط مورد توجه قرار گیرد .

قبل از اینکه به حقوق اساسی طفل اشاره شود باید از اصول مانند منع تبعیض، بقا و رشد طفل و مشارکت طفل را یاد اور شویم :

دولت با حمایت از حقوق طفل در ماده ششم قانون حمایت حقوق طفل در مورد اصل منع تبعیض ذیلا صراحت دارد:

۱)هر نوع تبعیض از لحاظ نژاد ، رنگ، جنس ، زبان ، قوم مذهب ، نظریات، عقاید سیاسی یا منشأ ومحل تولد و امثال ان چه مربوط خود طفل باشد یا ممثل قانونی وی ، ممنوع است.

۲) طفل در برابر هر نوع تبعیض بر اساس وضعیت ،فعالیت، نظریات یا عقاید والدین، ممثل قانونی یا اعضای فامیل یا منشاء تولد، طبق احکام قانون مورد حمایت قرار می گیرد.

فقره یک ماده شش این قانون بیانگر واژه ها بسیارزیبا و پر مفهوم است امید واریم در عمل نیز این واژه ها کار برد عملی خود را داشته باشد و به معنای واقعی کلمات مانند نژاد ، رنگ ، عقیده ، گرایش سیاسی و ... هیچ یک از موارد فوق میان اطفال این مرز و بوم باعث تبعیض نشده و از تبعات آن فرزندان این بلاه به دور باد .

## حقوق طفل از دیدگاه ...

فقره دوم این ماده مبین این امر است در صورتی که طفل در معرض تبعیض قرار بگیرد طبق احکام این قانون از وی حمایت به عمل می آید.

اصل دیگر که باید مورد توجه قرار بگیرد اصل بقا و رشد طفل است که ماد ه هفتم این قانون در زمینه چنین تصریح می دارد:
(۱) حق بقاو رشد جسمی و فکری از حقوق ذاتی طفل است.

۲) دولت مکلف است زمینه بقاء و رشد جسمی و فکری را برای همه اطفال فراهم نماید.

فقره یک ماده مزبور بقا و رشد جسمی طفل را از جمله حقوق ذاتی و طبیعی شمرده است و در فقره دو دولت را مکلف نموده تا زمینه بقا و رشد جسمی طفل را فراهم نماید.

مشارکت و حضور طفل در اجتماعات فرهنگی ، علمی و اجتماعی با نظر داشت استعداد ، سن و رشد فکری طفل می تواند در انکشاف و رشد ذهنی طفل موثر باشد چنانکه ماده هشتم قانون متذکره در زمینه ذیلا تصریح نموده است:

وزارت ها و ادارات ذیربط مکلف اند ، زمینه اشتراک طفل را در همه عرصه های حیات اجتماعی با نظر داشت سن و درجه رشد فکری، استعداد، روحیه به تعلیم و تربیه ، اجرای کار، پیشرفت، آموزش کسب مشروع، اعتماد به نفس، اخلاق

پسندیده و احترام به والدین،محیط خانوادگی و اجتماعی فراهم نمایند.

حقوق اساسی طفل:

حقوق که جمع حق است عبارتند از: صلاحیت ، سلطه، امتیاز و اقتدار یک شخص نسبت به اشخاص و یا اشیاء که ذریعه قانون حمایت میگردد. اساسی عبارت از تهداب ، بنیاد و اولیه می باشد. در حقیقت عبارت از حقوق بنیادی و اولیه طفل می باشد.

حق اساسی یا بنیادی عبارت است از حقوق مشترک بین تمام افراد بشر که غالباً توسط

قوانین اساسی حمایه می گردد.
ماده دوازدهم قانون حمایت طفل در مورد ذیلا می نگارد:

۱)طفل مطابق احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی مربوط دارای حقوق اساسی ذیل می باشد:

۱-حق حیات.

۲- حق داشتن نام .

۳- داشتن تابعیت .

۴- حفظ هویت و نسب.

۵- ثبت تولد.

۶- تغذیه با شیر مادر.

۷- مصونیت در برابر هر نوع تبعیض.

۸- حضانت و رضاعت.

۹- دسترسی به خدمات صحتی.

۱۰- تطبیق واکسین و سایر خدمات وقایوی صحتی.

۱۱- باز توانی جسمی و روانی .

۱۲- صحت و سلامت جسمی.

۱۳- استفاده از مراقبت های اجتماعی.

۱۴- استراحت، بازی و تفریح.

۱۵- بهره مندی و استفاده از صندوق طفل در صورت ضرورت.

۱۶- حمایت در برابر هر نوع تعذیب جسمی و روانی .

۱۷- آموزش ، تعلیم و تربیه.

۱۸- آزادی بیان و اظهار.

۱۹- رشد فکری و تکامل ذهنی.

۲۰- دسترسی به معلومات.

۲۱- تشکیل انجمن های مختص به نو جوانان.
۲۲- حفاظت و حمایت در برابر بهره کشی اقتصادی.

۲۳- حمایت در برابر انجام کار شاقه و اجباری.

۲۴- داشتن خانواده و منع جدایی از والدین.

۲۵- تامین امنیت و مصونیت در محیط خانواده، آموزش و اجتماع.

۲۶- داشتن سرپرست و محافظت.

۲۷- جلوگیری از استخدام در فعالیتهای نظامی و شبه نظامی.

## معرفی کود جزاء

فصل سوم باب دوم کود جزاء ، شروع به جرم را که در بر گیرنده مراحل تفکیر وتصمیم در ارتکاب جرم ، تهیه وسایل تجهیزاتی وانجام اعمال مقدماتی ، جرایم عقیم ومستحیل ، انصراف ارادی ، مجازات شروع به جنایت ، مجازات شروع به جنحه ، رعایت تناسب جزاء در شروع به جرم ، شروع به قباحت ، رعایت جزا های تبعی ، تکمیلی، وتدائیر امنیتی در شروع به جرم ، میباشد را توضیح داده است.

فصل چهارم باب مذکور دربرگیرنده فاعل، شریک ومعاون جرم میباشد اضافتاً پیرامون سازمانده وگروه سازمان یافته جرمی ، رعایت اسباب اباحت وموانع مسئولیت در مورد شریک یا معاون، نتیجه غیر متوقعه جرم، تغییر وصف جرم یا جزا ، بروز حالت خاص در تغییر وصف جرم یا جزا، تغییر درقصد فاعل ، تعدد فاعلین وحالت مشدده ، تطبیق جزای نقدی منفرد یا تضامنی ، انصراف از ارتکاب جرم ، را تذکر داده است .

فصل پنجم باب دوم کود جزاء ، موضوعات چون اتفاق در جرم ، مجازات مرتکب اتفاق در جرم ومعافیت در صورت اطلاع دهی را به بحث گرفته است.

فصل ششم باب دوم کود مذکور تعدد جرایم را مورد بحث قرار داده از تعدد مادی جرایم مرتبط ، تعدد محکومیت به جرایم مرتبط ، تعدد مادی جرایم غیر مرتبط ، تعدد معنوی جرایم ، تعدد محکومیت به مجازات و تعدد جزای نقدی وتدائیر امنیتی را تذکر داده است.

فصل هفتم کود از مجرم متکرر، تکرر خاص ، جرایم مماثل ، تکرار از بابت احکام صادره محاکم خارجی و مجازات تکرار جرم را به بحث گرفته مجرم متکرر کسی را دانسته که به اثر ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم به جزا گردیده وبعد از صدور حکم قطعی وقبل از اعاده حیثیت ، مرتکب جنحه یا جنایت دیگری گردد.

فصل اول باب سوم کتاب اول کود جزاء ، مسئولیت جزایی وموانع آن را تذکر داده از مسئولیت جزایی ، مسئولیت شخص حکمی ، مجازات شخص حکمی ، معافیت از تعقیب عدلی وتخفیف مسئولیت جزایی ، بحث نموده است.

فصل دوم باب سوم کود جزاء ، موانع مسئولیت جزایی وانواع موانع مسئولیت جزایی را که شامل : جنون وامراض روانی ، سکر، خواب یا بی هوشی ، طفولیت ، اضطراب واکراه ، نقصان ادراک وشعور، تدابیر طبیی اجباری، استعمال مواد مخدر ومسکر بدون اراده شخص ، ارتکاب جرم در حالت سکر، استعمال مواد مخدر یا مسکر به منظور ارتکاب جرم را شرح داده است .

در بخش دیگری از همین فصل موضوع طفولیت را که در برگیرنده عدم مسئولیت جزایی طفل ، حجز

تئبع ونگارش: دردانه فضائلی

۲۸- حمایت در برابر انواع شکنجه ، تعذیب مجازات غیر انسانی، توهین آمیز و رفتار های ظالمانه.

۲۹- نگهداری طفل متخلف از قانون در مراحل نظارت .

۳۰- استفاده از حقوق مظنون و متهم در جریان تعقیب عدلی مندرج قانون اجرات جزایی.

۳۱- برخور داری از موازین محاکمه عادلانه مطابق احکام قانون.

۳۲- جلوگیری از استفاده طفل در فحشاء و اعمال جنسی.

۳۳- حمایت در برابر اختطاف و قاچاق.

۳۴- سایر حقوق مندرج اسناد تقنینی.

۲)وزارتها و ادارات دولتی و سایر مراجع ذیربط مکلف به رعایت حقوق مندرج فقره (۱) این ماده می باشد.

ماده مزبور حقوق اساسی طفل را در ۳۴ بند در فقره یک نام برده است و در فقره دو این ماده تمامی وزارت ها و ادارات دولتی و دیگر مراجع ذیربط را مکلف به رعایت این حقوق اساسی طفل نموده است.

از مطا لعه متون فوق به این نتیجه می رسیم که دوره طفولیت نسبت به سایر ادوار زندگی انسان از اهمیت خاصی بر خوردار است زیرا شخصیت انسان در این دوره تهداب گذاری شده و شکل می گیرد فلهدا ایجاب می کند که خانواده و مسئولان کشور بویژه ادارات ذیربط در امور تعلیم و تربیه توجه خاصی را به رشد و انکشاف ذهنی اطفال میذول بدارند زیرا کودکان امروز زنان و مردان فردا هستند که نقش اساسی را در توسعه و ترقی کشور به عهده خواهند داشت.اهداف قانون حمایت طفل تبیین کنند وظایف و مکلفیت های والدین ، ادارات دولتی و غیر دولتی ذیصلاح در ماده دوم این قانون می باشد. با عملی شدن این قانون امید اطفال این دیار از حقوق طبیعی و ذاتی خویش مطابق قوانین ملی و بین المللی برخوردار شوند.

**کلامه دارد...**

فیض الله خواجه آمانی

طفل دارای سن ۱۲ الی ۱۶ ، حجز طفل دارای سن ۱۶ – ۱۸ ، عدم محکومیت طفل به اعدام ، حبس یا جزای نقدی ، مجرایی مدت حجز در مرکز اصلاح وترتیب اطفال ، تثبیت سن به اساس تذکره تا بعیت، تثبیت سن به اساس نظر طب عدلی ، حدود صلاحیت محکمه ، انتقال طفل بالاتر از ۱۸ سال به محبس ، تعدد تخلفات طفل، محکومیت به حجز به دفعات ، تکرار تخلفات طفل، عدم محرومیت طفل از رفت قضایی ، ارتکاب جنحه توسط طفل ، تکرار جرم جنایت وجنحه به اثر غفلت نماینده قانونی طفل ، رهایی طفل یا تسلیمی وی به والدین، ممثل یا سرپرست قانونی ، ارتکاب قباحت توسط طفل، اتمام مکلفیت نماینده قانونی طفل، عدم تطبیق مجازات اعدام را ذکر ودر بخش دفاع مذکور آمده شخصی که ۲۰ سالگی را تکمیل نکرده باشد ، به اعدام محکوم نمی گردد.

بدین تر تیب در قسمت دیگری از فصل مذکور حالت اضطراب را تعریف وعدم مسئولیت جزایی در حالت اضطراب را شرح و اضطراب را چنین تعریف کرده است : " اضطراب حالتی است که در معرض خطری قرارگیرد که خوف مرگ، جراحت شدید یا اتلاف مال وی یا شخص دیگر از آن متصور باشد و برای دفع آن مرتکب جرم گردد. مشروط براین که خطر به طریق دیگری دفع شده نتواند.

در قسمت اخیر هم اکراه را که یکی از موانع مسئولیت جزایی است به بحث گرفته اکراه را چنین شرح داده است :

" شخصی که تحت تاثیر قوه مادی یا معنوی ای که دفع آن طور دیگری ممکن نباشد مجبور به ارتکاب جرم گردد، مسؤل شناخته نمی شود."

فصل سوم باب سوم کتاب اول کود جزاء ، اسباب اباحت وانواع آن را که در بر گیرنده رضایت مجنی علیه ، ایفای وظیفه ، تمعیل امر آمی، دفاع مشروع را تذکر واز ایجاد حق دفاع مشروع ، شرایط دفاع مشروع ، امکان توسل به موظف امنیتی، دفاع در برابر موظف امنیتی و مجازات تجاوز از حق دفاع مشروع را بحث کرده، درتحت عنوان شرایط دفاع مشروع آمده که حق دفاع مشروع تحت شرایط ذیل بوجود می آید : "دفاع در برابر عمل خلاف قانون وغیر عادلانه ، دفاع در برابر حمله وتعرض بالفعل یا قریب الوقوع ، همزمان بودن دفاع با حمله شخص متجاوز، متناسب بودن دفاع با خطر مورد تهدید، دفاع یگانه وسیله دفع خطر باشد، دفاع کننده قصداً سبب ایجاد عمل جرمی طرف مقابل نشده باشد".

**کلامه دارد...**

## حقوق طفل از دیگاه قانون

تتبع و نگارش: دردانه فضاییلی

برای همگان واضح و روشن است که اطفال قشر آسیب پذیر وی دفاع ترین عضو جامعه بوده و به علت این صغر سن، عدم تجارب و اندوخته ها است که همواره حقوق ذاتی و طبیعی آنان مورد بی توجهی قرار گرفته است و بدین دلیل آنان می توانند کارهای اولیه خود را انجام دهند فلذا برای پیش برد امور ابتدایی خود از قبیل خوردن، آشامیدن، پوشیدن لباس، حفظ الصحه، بهداشت و نظافت، تعلیم و آموزش و ... موارد به حمایت بزرگترها ضرورت دارد تا مراحل طفولیت را به خوب وجه سپری نماید. توجه به جسم و روح اطفال که آینده سازان کشوراند باعث می شود که رشد بدنی و انکشاف ذهنی آنان پرورش یافته و در آینده به عنوان یک فرد موثر وارد زندگی اجتماعی گردد.

بنا برین دولت با ارجحیت بخشیدن به اطفال این مرز و بوم در روشنی احکام مواد هفتم و پنجاه چهارم قانون اساسی کشور قانون حمایت حقوق طفل را وضع نموده است. هدف از وضع این قانون حمایت از حقوق اولیه و بدنی طفل محسوب شده و امید واریم اطفال آسیب پذیر با مرعی الاجرا شدن عملی این قانون از گزند حوادث و ناملا یامات روزگار مصون مانده و مدارج عالی آموزش و تعلیم و تربیه را یکی بعد دیگر با موفقیت طی نماید.

بنا بر این ماده دوم این قانون، که مبین اهداف قانون حمایت حقوق طفل می باشد مکلفیت ادارات دولتی و مسئولیت والدین و سرپرستان قانونی اطفال را به وضوح بیان نموده است که ذیلا به آن اشاره می نمایم:

۱- توضیح و مشخص نمودن مکلفیت های وزارت ها و ادارات دولتی ذیربط برای تامین حقوق طفل.

۲- فراهم نمودن زمینه تربیت سالم، تعلیم و آموزش طفل.

۳- تامین معیشت، صحت، و سلامت جسمی و روانی طفل.

۴- مساعد شدن زمینه رشد بدنی و انکشاف ذهنی طفل به خاطر آماده ساختن وی به زندگی در جامعه.

۵- مشخص نمودن مسوولیت والدین یا نماینده قانونی طفل و دولت در قبال تامین حقوق مادی و معنوی وی.

۶- قبول نقش اساسی اطفال در اعمار جامعه به حیث آینده سازان کشور.

۷- حفاظت از طفل در معرض خطر، دارای معلولیت جسمی یا روانی یا دارای رفتار غیر عادی نیازمند مراقبت.

۸- فراهم شدن زمینه قانونی رسیدگی عادلانه به تخلف طفل و ادغام مجدد و به خانواده و اجتماع.

۹- رعایت مصالح علیای طفل در کلیه عرصه ها و برخورد قانونی با ناقضان حقوق طفل.

۱۰- تامین سایر حقوق مادی و معنوی طفل مندرج کنوانسیون حقوق طفل.

از مطالعه متون فوق به این نتیجه می رسیم که در قبال پرورش بدنی و انکشاف ذهنی طفل نه تنها والدین بلکه دولت نیز دارای مسوولیت بوده و رعایت مصالح علیای طفل در تمامی عرصه های زندگی طفل از طرف سرپرست و دولت در اولویت قرار داد می شود.

والدین، سرپرستان اطفال و دولت علاوه بر رعایت قانون حمایت طفل ملزم به رعایت کنوانسیون حقوق طفل بوده تا اطفال از هر نوع خطرات فزیک و روانی در امان باشند.

قبل از اینکه طفل را تعریف نماییم به معانی اصطلاحات که در قانون حمایت طفل ذکر شده اشاره می کنیم:

- **طفل بی سرپرست:** شخصی است که متکفل اعاشه و ایاتنه وی فوت، محبوس، مفقود، غایب، معتاد به مواد مخدرو یا متکفل وی طبق حکم محکمه فاقد شرایط، اعلان شده باشد یا به نحوی از اعاشه و ایاتنه طفل ابا ورزد.

- **سرپرستی:** نگهداری، تعلیم، تربیت و تامین احتیاجات مادی و معنوی طفل یتیم و بی سرپرست است.

- **سرپرست:** شخصی است که سرپرستی یک یا چند طفل را مطابق احکام قانون به عهده دارد.

## برنامه آگاهی عامه حقوقی درلیسه عالی نسوان چهلستون

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



اعضای مبلغین ساحوی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه، روز های پنجشنبه، شنبه و یک شنبه مورخ ۱۹، ۲۱، ۲۲/۱۳۹۸ به منظور آگاهی دهی موضوعات حقوقی عازم لیسه عالی نسوان چهلستون واقع ناحیه هفتم شهر کابل گردیدند. برنامه مذکور بالای شاگردان صنوف دهم، یازدهم و دوازدهم اجرا گردید. و موضوعات که برای آنها آگاهی داده شد، چون قانون منع شکنجه اذدیدگاه شرعیت وقوانین نافذه کشور، حقوق مظنون ومتهم، حقوق اساسی ووجایب اتباع، قانون کاروهمچنان یک مقدار مواد تبلیغاتی حقوقی ازقبیل مجموعه مقالات حقوقی، بوکلیت های حقوقی، بروشورهای حقوقی ازطرف مدیریت عمومی تبلیغات ونشرات برای کتابخانه لیسه مذکور تسلیم داده شد.

## تفاوت تابعیت، اقامتگاه و مسکن

تتبع و نگارش: صفالرحمن سیفی

تابعیت همان شرایطی لازم است که در زمان حصول تابعیت لازم بوده است. قانون تابعیت در زمینه بیان می دارد: «درخواست ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان در حالات زیر قبول شده می تواند:

۱. در حالی که شخص از دولت، ادارات دولتی، مؤسسات و یا هم سایر مراجع مربوط به منافع عامه، مدیون بوده یا با مراجع مربوط تعهدی به عمل آورده باشد که به ایفای آن مکلف باشد؛ مگر این که مکلفیت خود را کاملاً انجام داده و یا چنان ضمانت بدهد که مطابق احکام قانون اعتبار داشته و تکافوی دیون و جبران ضرر ناشی از تعهد مذکور را کرده بتواند.

۲. درحالی که شخص در برابر اشخاص انفرادی یا شرکت ها و مؤسسات خصوصی مکلفیت های مالی یا تعاقبی داشته باشد؛ مگر این که طالب حق به صورت تحریری، موافقت صریح خود را مبنی بر قبول ترک تابعیت او اظهار کند.

۳. در حالی که متهم به جنحه یا جنایت و یا محکوم به جزاء باشد؛ مگر این که مجازات تکمیل، ساقط و یا عفو گردیده باشد.

۴. در حالی که ترک تابعیت، امنیت ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان را به خطر مواجه سازد.»

اصولاً رعایت موارد فوق بالای کسانی مرتب می شود که رابطه قراردادی با دولت خود داشته باشند و برای چنین اشخاص اصطلاح «تبعه» به کار برده می شود. در اقامتگاه که چنین قراردادی میان دولت و شخص وجود ندارد رعایت شرایط فوق نیز لازم و ضروری نیست، اقامتگاه ممکن است موقت یا دائمی بوده باشد در حالیکه تابعیت ثابت است، موقت بوده نمی تواند.

عریضه برای شان از طرف موظفین مربوط توضیح میگردد. و بعد از خانه پری موظفین بخش نمایندگی ها مسئول اند تا تقاضا نامه را اخذ و برای متقاضی رسید بدهند، همچنان اسناد واصله را به کمیته مرکزی ارسال بدارند. «شعبات مربوط وزارت امور خارجه و نمایندگی های قونسل و سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در خارج، مکلف تابعیت، به تقدیم کننده آن رسید بدهند» در مرحله دوم کمیته موظف که متشکل از نمایندگان وزارت داخله، وزارت خارجه، ستره محکمه، وزارت عدلیه، ریاست عمومی امنیت ملی و غیره است، تقاضانامه را تأیید نمایند تا به توشیح رئیس جمهور برسد، رئیس جمهور نیز صلاحیت دارد که تقاضانامه را توشیح یا رد نماید.

کسب اقامتگاه ضرورت به کدام سیستم و یا تشریفات خاص ندارد بلکه با اختیار شخص آنرا انتخاب می نماید، طوریکه ماده (۵۱) قانون مدنی تصریح میکند. «اقامتگاه جایی است که شخص عادتاً در آن سکونت دارد و این سکونت دائم و یا موقت می باشد.» انتخاب اقامتگاه نظر به ضرورت و نیازمندی مادی و معنوی اشخاص صورت میگیرد، بدین لحاظ اقامتگاه متعدد بوده میتواند.

۳. ترک اقامتگاه فوری است مشروط به رعایت کدام تشریفات خاص نیست، چون رابطه سیاسی و معنوی بین شخص و دولت وجود ندارد و همچنان ترک اقامتگاه هیچ خلل اجتماعی و قانونی را ایجاد نمی کند زیرا رابطه شخص با گوشه ای از خاک یک کشور برقرار شده و این رابطه حقوقی و مادی است یعنی شخص صرفاً میتواند حق داشته باشد و از آن بگونه عملی استفاده نماید.

برعکس ترک تابعیت نیازمند رعایت تشریفات و مراحل خاص است، مطابق قانون برای ترک

عریضه برای شان از طرف موظفین مربوط توضیح میگردد. و بعد از خانه پری موظفین بخش نمایندگی ها مسئول اند تا تقاضا نامه را اخذ و برای متقاضی رسید بدهند، همچنان اسناد واصله را به کمیته مرکزی ارسال بدارند. «شعبات مربوط وزارت امور خارجه و نمایندگی های قونسل و سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در خارج، مکلف تابعیت، به تقدیم کننده آن رسید بدهند» در مرحله دوم کمیته موظف که متشکل از نمایندگان وزارت داخله، وزارت خارجه، ستره محکمه، وزارت عدلیه، ریاست عمومی امنیت ملی و غیره است، تقاضانامه را تأیید نمایند تا به توشیح رئیس جمهور برسد، رئیس جمهور نیز صلاحیت دارد که تقاضانامه را توشیح یا رد نماید.

کسب اقامتگاه ضرورت به کدام سیستم و یا تشریفات خاص ندارد بلکه با اختیار شخص آنرا انتخاب می نماید، طوریکه ماده (۵۱) قانون مدنی تصریح میکند. «اقامتگاه جایی است که شخص عادتاً در آن سکونت دارد و این سکونت دائم و یا موقت می باشد.» انتخاب اقامتگاه نظر به ضرورت و نیازمندی مادی و معنوی اشخاص صورت میگیرد، بدین لحاظ اقامتگاه متعدد بوده میتواند.

۳. ترک اقامتگاه فوری است مشروط به رعایت کدام تشریفات خاص نیست، چون رابطه سیاسی و معنوی بین شخص و دولت وجود ندارد و همچنان ترک اقامتگاه هیچ خلل اجتماعی و قانونی را ایجاد نمی کند زیرا رابطه شخص با گوشه ای از خاک یک کشور برقرار شده و این رابطه حقوقی و مادی است یعنی شخص صرفاً میتواند حق داشته باشد و از آن بگونه عملی استفاده نماید.

برعکس ترک تابعیت نیازمند رعایت تشریفات و مراحل خاص است، مطابق قانون برای ترک

واژه های: تابعیت، اقامتگاه و مسکن که شخص را با محیط معین یا کشوری پیوند می دهند و آثار حقوقی را نیز حمل می نماید. این اصطلاحات در ماهیت دارای یک سری تفاوت و افتراقات است که طوری خلاصه و مجزا به تشریح و تبیین آن پرداخته می شود.

### گفتار اول - تفاوت تابعیت و اقامتگاه

۱- واژه تابعیت از زبان عربی گرفته شده و معنی تابع بودن و پیروی کردن را می دهد. در اصطلاح تابعیت عبارت از رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی یا حقوقی و یا یک شی با یک دولت معین است به طوری که حقوق و تکالیف وی از همین رابطه ناشی می شود. قانون تابعیت افغانستان در فقره (۱) ماده (۳) نیز تابعیت را تعریف میکند. «تابعیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان: ارتباط سیاسی و حقوقی شخص با دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.» اما اقامتگاه رابطه ای مادی و حقوقی است که شخص را بدون توجه به تابعیت او به قسمتی از خاک یک دولت پیوند میدهد. ماده (۵۱) قانون مدنی افغانستان نیز تعریف از اقامتگاه بیان میدارد: « اقامتگاه جایست که شخص عادتاً در آن سکونت دارد، خواه این سکونت دائم باشد یا موقت.» تفاوت اساسی که از تعاریف تابعیت و اقامتگاه ناشی می شود؛ این است که تابعیت ارتباط شخص را با دولت معین برقرار میکند، آن دولت است که شخص را به صفت تبعه خود می پسندد، حقوق و امتیازات را بگونه یکسان مدنظر میگیرد؛ برعکس اقامتگاه ارتباط شخص را با قسمت از خاک یک دولت پیوند می دهد و شخص صفت تبعه بودن را کبایی می کند، حقوق و امتیازات را مانند آن شخص که تبعه است حاصل نمی تواند، مطابق تعریف ابراز شده قانون مدنی، اقامتگاه ارتباط شخص را با دولت معین پیوند نمی دهد بلکه شخص یک